

بررسی شبهه عدم وجود و صحت روایات تولد و حیات امام مهدی علیه السلام از منظر اهل سنت

سید محسن شریفی *

چکیده

بر اساس یک شبهه، تولد فرزندی از امام حسن عسکری علیه السلام با نام «مهدی» مشکوک است؛ اسناد و مدارک معتبر تاریخی مقبول در نزد اهل سنت، تولد چنین فرزندی را تأیید نمی‌کند. به عبارت دیگر هیچ سند محکم تاریخی که با موازین و معیارهای اهل سنت در قبول روایات تاریخی تأیید شود، در خصوص تولد و حیات مهدی علیه السلام وجود ندارد؛ از این رو راه اثبات وجود و حیات مهدی علیه السلام بر اهل سنت بسته است. در نقد این شبهه باید گفت که مسئله اعتقاد به تولد و حیات حضرت مهدی علیه السلام تنها اختصاص به شیعیان ندارد؛ بلکه وجود انبوه روایات تولد مهدی علیه السلام در منابع و مجامع معتبر حدیثی و روایی اهل سنت نشان از اهمیت این گونه روایات دارد که در کنار متواتر بودن احادیث مهدی علیه السلام نشان از اعتبار این روایات با معیارهای اهل سنت دارد؛ البته صحت این روایات نیز از سوی عالمان اهل سنت تأیید شده است. افزون بر این، پذیرش و تأیید رویداد تولد مهدی علیه السلام توسط نسب‌شناسانی که بیشتر از میان اهل سنت هستند و گواهی افراد موثقی که امام را پس از تولد و در دوران غیبت مشاهده کرده‌اند، آشکارا بر قوت چنین ادله‌ای افزوده است که مجموع این دلایل برای باور اهل سنت به تولد و حیات امام مهدی علیه السلام کفایت می‌کند.

واژگان کلیدی: تولد و حیات امام مهدی علیه السلام، اهل سنت، دوران غیبت، نسب‌شناسی، احادیث مهدویت.

پیش‌درآمد

اعتقاد به ظهور منجی در آخر زمان، به شیعیان اختصاصی ندارد. همه ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی، در عین اختلافاتی که در چگونگی این مسئله دارند، در یک نکته مشترکند و آن اینکه در آخر زمان مردی از جانب خداوند خواهد آمد و جهان را از عدل و داد پر خواهد کرد. همه مسلمانان باور دارند که مهدی علیه السلام از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و از فرزندان حسین علیه السلام است، جز اینکه بسیاری از اهل سنت تولد او را در آخر زمان انتظار می‌کشند. شیعیان با تکیه بر دلایل گوناگون عقلی و نقلی معتقدند که امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسگری علیه السلام است و در سال ۲۵۰ هجری قمری به دنیا آمده و با اذن و اراده مطلق خداوند تاکنون زنده است و در میان مردم زندگی می‌کند؛ همچنان که خضر و مسیح علیه السلام به نص قرآن کریم زنده‌اند و در هنگام ظهور، او را یاری خواهند کرد. عمر طولانی او نه تنها با عقل و علم ناسازگار نیست؛ بلکه دلایل قرآنی و روایی مؤید وقوع آن فراوان است. در نوشتار حاضر به یکی از شبهاتی که پیرامون تولد و حیات امام مهدی علیه السلام از سوی برخی از اهل سنت مطرح شده است اشاره کرده و پس از بررسی به نقد آن خواهیم پرداخت.

مقدمه

مسئله تولد و حیات امام مهدی علیه السلام از مباحث مهم و اساسی در موضوع امامت خاصه است. برخلاف تصور برخی که اعتقاد به تولد و حیات امام را مختص شیعیان تبلیغ می‌کنند، باور به چنین واقعیتی در میان سایر مذاهب و فرق اسلامی، به ویژه اهل سنت، هم به وضوح دیده می‌شود. شواهد زیادی در منابع معتبر اهل سنت وجود دارد که تولد و حیات امام مهدی علیه السلام را تأیید می‌کند. در این نوشتار با تکیه بر منابع تاریخی و روایی اهل سنت به اثبات وقوع تولد و استمرار حیات امام دوازدهم، حجت بن الحسن المهدی علیه السلام خواهیم پرداخت. همچنین روایات فراوانی درباره حضرت مهدی علیه السلام در مجامع حدیثی و روایی شیعه و اهل سنت وجود دارد که در آنها علاوه بر نام و مشخصات این منجی بزرگ برخی از ویژگی‌های دیگر ایشان نیز بیان شده



است. این روایات اختصاص به شیعه یا مذهب خاصی از مسلمانان ندارد و در زمره اخبار مشترک همه فرق اسلامی محسوب می‌شود. بی‌شک بسیاری از این اخبار در کمال صحت و اطمینان قرار دارند که در ادامه درباره صحت این روایات و معیارهایی که در این زمینه وجود دارد، بحث خواهیم کرد.

پیشینه

منابع و کتاب‌های اهل سنت که به موضوع مهدویت پرداخته‌اند، به دو دسته کلی قابل تقسیم است: دسته نخست، کتاب‌های روایی عمومی اهل سنت است که دارای موضوعات گوناگون هستند و البته احادیث مهدویت هم در آنها ذکر شده است. عمده این احادیث در ذیل عنوان کتاب «الفتن»، «کتاب المهدی»، «باب المهدی» و یا در بخش مربوط به نشانه‌های قیامت نقل شده است. دسته دوم، کتاب‌های اختصاصی اهل سنت در مهدویت هستند که به خاطر اهمیت مسئله مهدویت، به صورت مستقل و به طور مفصل درباره امام مهدی (عج) نوشته شده است. قدیمی‌ترین کتاب اهل سنت درباره حضرت مهدی (عج) مربوط به پنج سال پیش از ولادت آن حضرت است که توسط عباد بن یعقوب رواجی متوفای ۲۵۰ هجری از علمای اهل سنت با عنوان «اخبار المهدی» یا «اخبار المهدی المنتظر» نوشته شده است.

ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۲۰ق) نیز سه کتاب با عناوین «اربعون حدیث»، «مناقب المهدی» و «صفة المهدی» درباره آن حضرت نوشته است. کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» از گنجی شافعی (متوفای قرن هفتم) نیز از جمله کتاب‌های خاص است که درباره مهدویت نگارش شده است. کتاب «العرف الوردی فی اخبار المهدی» از جلال‌الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ق) و کتاب «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» از ابن حجر هیتمی (متوفای ۹۷۴ق) که هر دو از استوانه‌های بزرگ اهل سنت به شمار می‌آیند، درباره آن حضرت نگارش یافته است.

از نویسندگان معاصر به کتاب «المهدی، حقیقة لا خرافة» از محمد بن احمد بن اسماعیل می‌توان اشاره کرد که وی در کتابش ۳۱ نفر از دانشمندان را نام می‌برد که به صورت مستقل درباره حضرت مهدی (عج) کتاب نوشته‌اند. کتابی نیز با عنوان «عقیده اهل

السنة و الأثر فی المهدی المنتظر» توسط عبدالمحسن العباد عالم معاصر سعودی نگارش یافته و تحت عنوان «مهدی منتظر از دیدگاه اهل سنت» منتشر شده است. آثار علمای اهل سنت بسیار بیش از این موارد است (ر.ک: مهدی پور، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۰-۸۰) که تنها به برخی موارد مهم اشاره شد.

گزارش تولد امام مهدی عجل الله فرجه در منابع اهل سنت

تولد امام دوازدهم عجل الله فرجه آن چنان شهرت فراگیر یافته بود که حتی در منابع اهل سنت معاصر با زمان تولد و عصر نزدیک به آن منعکس شده است. هرچند برخی از عالمان سنی خواسته‌اند به این مسئله منتقدانه بنگرند و آن را انکار کنند، ولی نفس توجه به این امر بیانگر صحت باور شیعه است. مسعودی (متوفای ۳۴۶ق) که در عصر غیبت صغری می‌زیسته، در این باره می‌نویسد: «در سال دو بیست و شصت ابومحمد حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب عجل الله فرجه، در عصر خلافت المعتمد، در حالی که بیست و نه سال از سنش می‌گذشت، از دنیا رفت. او پدر مهدی عجل الله فرجه منتظر و امام دوازدهم، به اعتقاد قطعیه امامیه (شیعیان دوازده امامی) است و آنان جمهور شیعه هستند» (مسعودی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۲۱۲).

ابوالحسن اشعری (امام مذهب اشاعره) که در عصر غیبت صغری می‌زیسته و در سال ۳۳۰ق و یک سال بعد از پایان غیبت صغری وفات یافته است، درباره باور شیعه به تولد و حیات امام مهدی عجل الله فرجه می‌گوید: «فرقه اول از آنها رافضیان قطعیه هستند. آنان را بدین جهت قطعیه گفته‌اند که به مرگ موسی بن جعفر قطع پیدا کرده‌اند و آنان جمهور شیعه هستند و اعتقاد دارند که پیامبر ص به جانشینی و امامت علی بن ابی طالب عجل الله فرجه بعد از خودش تصریح کرده و علی هم بر امامت پسرش حسن بن علی سفارش کرده و او نیز بر امامت حسین بن علی و او نیز بر امامت پسرش علی بن حسین و علی بن حسین هم بر امامت فرزندش محمد بن علی، او هم بر امامت پسرش جعفر بن محمد و او هم بر امامت موسی بن جعفر و موسی نیز بر امامت علی بن موسی و او نیز بر امامت محمد بن علی و او نیز بر امامت علی بن محمد و او نیز بر امامت حسن بن علی تصریح



کرده است. امامیه باور دارند که حسن بن علی پسرش به نام مهدی (عج) دارد که شیعیان را بر امامت او سفارش کرده است. مهدی (عج) در نظر شیعیان، غایب و منتظر است. آنها ادعا می‌کنند که او آشکار خواهد شد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده است» (اشعری، ۱۴۲۷ق، ص ۲۰).

ابوالحسن اشعری در سال ۳۳۰ ق از دنیا رفته است؛ پس به طور طبیعی باید کتاب «المقالات الاسلامیین» را در عصر غیبت صغری و پیش از سال ۳۲۹ ق نگاشته باشد. بیان عقیده شیعیان درباره دوازده امام و نام بردن از امام دوازدهم (عج) توسط او نشانگر این است که عقیده شیعه درباره ائمه (عج)، تولد و حیات امام زمان (عج) در آن عصر از شهرت جامعی در میان شیعیان برخوردار بوده است؛ آن چنان که حتی مخالفان شیعه هم کاملاً از این مطلب آگاهی یافته بودند.

ابن حزم اندلسی که در اواخر قرن چهارم هجری و اوائل قرن پنجم می‌زیسته و عصرش به عصر غیبت صغری نزدیک بود است، در ذکر نسب و اولاد امام عسکری (عج)، ضمن انکار شدید وجود فرزندی برای آن حضرت، به باور عمومی شیعه مبنی بر تولد امام زمان (عج) اعتراف کرده و می‌گوید: «امام حسن؛ او آخرین امام رافضیان است و عقب و فرزندی از خود نداشته است؛ ولی رافضیان ادعا کرده‌اند که او کنیزی به نام صیقل داشته که بعد از مرگش فرزندی برای وی به دنیا آورده است؛ اما این مطلب دروغ است و در این مورد سخنان زیادی گفته شده است» (ابن حزم اندلسی، ۱۴۲۴ق، ص ۶۱).

هدف ما در اینجا روشن نمودن عقیده عمومی شیعه در مقطع زمانی عصر غیبت صغری نسبت به تولد و حیات امام زمان (عج) است و این عقیده‌ای نیست که بعدها شیعیان در میان خود ساخته باشند؛ بلکه حیات آن حضرت در آن زمان حقیقتی بوده که شیعه امامیه در آن زمان بر آن اجماع داشته و حتی در نوشته‌های مخالفان منعکس شده است؛ هر چند آنها با این حقیقت روشن‌تر از روز برخورد منصفانه‌ای نداشته‌اند.

پذیرش اخبار تولد از سوی علمای اهل سنت

تعداد زیادی از دانشمندان حقیقت‌بین اهل سنت، با توجه به استحکام اخبار شیعه درباره

تولد امام زمان علیه السلام، آن را پذیرفته‌اند؛ در میان آنها کسانی هستند که هر چند حیات فعلی و طول عمر آن حضرت را قبول نکرده‌اند، ولی اخبار تولد ایشان را پذیرفته‌اند (محرمی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰). بنابر تحقیق یکی از محققان، تعداد این افراد به ۶۸ نفر می‌رسد (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۷۶). مورخ بزرگی چون ابن اثیر صاحب کتاب «الکامل فی التاریخ» با توجه به دلائل و شواهدی که در عصر وی وجود داشته، تولد امام زمان علیه السلام را از لحاظ تاریخی مسلم گرفته و هنگام سخن از امام عسکری علیه السلام تصریح می‌کند که او پدر مهدی علیه السلام منتظر است (ابن اثیر، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۳۷۳). نیز هنگام نقل جریان دستگیری شلمغانی می‌نویسد که شیعه امامیه ابوالقاسم حسین بن روح را باب امام مهدی علیه السلام می‌نامیدند و می‌گویند: بعضی گفته‌اند، او تنها ادعای باییت امام منتظر را داشته است (همان، ج ۷، ص ۲۶-۲۷).

العمیدی از محققان معاصر اهل سنت درباره پذیرش اخبار تولد مهدی علیه السلام و اعترافات علمای اهل سنت در این زمینه می‌نویسد: «عده قابل توجهی از اهل سنت اعترافات دانشمندان خود را ثبت کرده‌اند و این اقرارها در طول اعصار متمادی به یکدیگر متصل بوده است؛ به صورتی که معترف بعدی به راحتی هم عصر با معترف پیشین می‌گشته و این سلسله اعترافات از عصر غیبت صغری آغاز شده و تاکنون ادامه یافته است» (العمیدی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۰).

عالمانی از اهل سنت که تولد حضرت مهدی علیه السلام را پذیرفته و نقل کرده‌اند، فراوانند و ما در این قسمت تنها به ذکر نام برخی از آنها بسنده می‌کنیم: ابن خلکان (متوفای ۶۸۱ق)، ذهبی (متوفای ۷۴۸ق) در سه کتاب خود (العبر، تاریخ دول الاسلام و سیر اعلام النبلاء)، ابن وردی (متوفای ۷۴۹ق)، احمد بن حجر هیتمی شافعی (متوفای ۹۷۴ق)، شبراوی شافعی (متوفای ۱۱۷۱ق)، مؤمن بن حسن شبلنجی (متوفای ۱۳۰۸ق) و خیرالدین زرکلی (متوفای ۱۳۹۶ق) در شمار عالمانی هستند صحت اخبار تولد امام زمان را پذیرفته‌اند (همان، ص ۱۶۱-۱۶۴). برای اطلاع بیشتر می‌توانید به تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است، مراجعه نمایید (همان، ص ۱۶۱؛ محرمی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰).

امام مهدی علیه السلام فرزند امام عسگری علیه السلام

بسیاری از عالمان اهل سنت علاوه بر پذیرش اخبار تولد امام مهدی علیه السلام، بر این واقعیت که او فرزند امام عسگری علیه السلام است، تصریح کرده‌اند (العمیدی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۴). این گروه معتقدند امام مهدی علیه السلام، همان که ظهورش در آخرالزمان وعده داده شده است، کسی جز محمد بن حسن العسگری علیه السلام امام دوازدهم از ائمه اهل البیت علیهم السلام نیست. در اینجا به چند مورد از تصریحات آنها اشاره می‌کنیم:

۱. کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (متوفای ۶۵۲ ق) در این باره می‌نویسد: «ابوالقاسم محمد بن حسن الخالص بن علی المتوکل بن القانع بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن حسین الزکی بن علی المرتضی امیر المؤمنین بن ابی طالب؛ همو مهدی، حجت، خلف صالح و منتظر است که رحمت و برکات خداوند بر او باد. سپس در قالب شعری می‌گوید: همانا این خلف و حجت را خداوند تأیید کرده است. این راه روشن و حق است که خداوند فضایل اخلاقی به وی داده است» (ابن طلحه شافعی، [بی‌تا]، ص ۴۸۰).

۲. سبط بن جوزی (متوفای ۶۵۴ ق) می‌نویسد: «او محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب است و کنیه‌اش (ابوعبدالله) و (ابوالقاسم) است و همو خلف، حجت، صاحب الزمان، قائم، منتظر، تالی و آخرین فرد از حضرات ائمه است» (سبط بن جوزی، ۱۴۱۸، ص ۳۲۵).

۳. ابن صباغ مالکی (متوفای ۸۵۵ ق) نیز عنوان فصل دوازدهم کتاب خود یعنی الفصول المهمة را «در ذکر ابوالقاسم حجت و خلف صالح، ابن ابومحمد حسن الخالص و امام دوازدهم» قرار داده است (ر.ک: ابن صباغ مالکی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲، ص ۱۰۷۷). وی در این فصل به قول گنجی شافعی (از علمای اهل سنت مقتول به سال ۶۵۸ ق) استدلال کرده و می‌گوید کتاب خدا و سنت رسول او بر بقا و تداوم حیات مهدی علیه السلام از زمان غیبت تاکنون دلالت دارد و هیچ مانعی برای بقای او وجود ندارد؛ همچنان که در استمرار حیات عیسی بن مریم و خضر و یاس از میان اولیای خدا و أعور دجال و



ابلیس ملعون از دشمنان خدا، هیچ مانعی وجود نداشته است (همان، ص ۱۱۲). آنگاه ادله خود را از کتاب و سنت بر این مدعی اقامه می‌کند و در ادامه به شکل مشروح، تاریخ ولادت امام مهدی علیه السلام، دلائل امامت ایشان، بخشی از اخبار و احادیث غیبت آن حضرت، مدت استقرار و استمرار حکومت آن حضرت، کنیه و نسب ایشان و سایر امور مربوط به امام علیه السلام را بیان می‌کند (همان، ص ۱۱۱۴ تا ۱۱۳۵).

عالمانی از اهل سنت که به ولادت امام مهدی علیه السلام و اینکه فرزند امام عسکری است، اعتقاد دارند بسیار بیش از این است. متأسفانه در برخی موارد تصریحات آنان در چاپ‌های اخیر از کتاب‌های شان حذف شده است! مثلاً محققان معتقدند محی‌الدین عربی (متوفای ۶۳۸ ق) در کتاب خود «الفتوحات المکیة» در باب ۳۶۶ به این مطلب تصریح کرده است؛ ولی با کمال تأسف بعداً از کتاب او حذف شده درحالی که برخی منابع این مطلب را از این کتاب بازگو کردند (العمیدی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۴).

نام برخی از عالمان اهل سنت از این قرار است: سلیمان بن ابراهیم معروف به قندوزی حنفی (متوفای ۱۲۷۰ ق)؛ احمد بن یوسف ابوالعباس قرمانی حنفی (متوفای ۱۰۱۹ ق)؛ شمس‌الدین محمد بن طولون حنفی تاریخ نویس دمشق (متوفای ۹۵۳ م) فضل بن روزبهان (متوفای ۹۰۹ ق)؛ محمد بن یوسف ابو عبدالله گنجی شافعی (مقتول به سال ۶۵۸ ق) و... (همان، ص ۱۶۴-۱۶۹).

تأیید تولد امام زمان علیه السلام توسط نسب‌شناسان

بی‌شک یکی از بهترین گواهانی که تولد امام مهدی علیه السلام را می‌تواند اثبات کند، نقل این خبر توسط متخصصان و خبرگان فن نسب‌شناسی است؛ چراکه در این زمینه علمای انساب بهتر از دیگران می‌توانند اظهار نظر کنند. در این مورد می‌توان به نسب‌شناسانی چون:

۱. سهل بن داود بن سلیمان بخاری، معاصر دوره غیبت صغری (ابی نصر بخاری، ۱۴۱۳، ص ۳۸-۴۰)؛
۲. سید عمری، نسابه مشهور قرن پنجم هجری (العلوی العمری، ۱۴۰۹، ص ۱۳۰)؛
۳. فخر رازی شافعی، نسابه قرن پنجم هجری (فخرالدین رازی، ۱۴۰۹، ص ۷۸)؛

۴. مروزی ازورقانی، نسابه قرن ششم هجری (قاضی مروزی، ۱۴۰۹ق، ص ۸)؛
 ۵. جمال الدین احمد، معروف به ابن عنبه (ابن عنبه حسنی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۸۰) و
 بسیاری دیگر از نسب شناسان اشاره کرد (ر.ک: العمیدی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۷-۱۶۰؛
 محرمی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۱).

نسابه شهیر ابونصر سهل بن عبدالله داود بن سلیمان بخاری که از بزرگان قرن چهارم
 هجری است و در سال ۳۴۱ هجری در قید حیات بوده و از مشهورترین علمای انساب
 معاصر با غیبت صغرا است، می گوید: «علی بن محمد التقی، دارای فرزندی به نام
 حسن بن علی عسکری شد؛ از ام ولد ی نوبیه به نام ریحانه. این فرزند ولادتش به سال
 ۲۳۱ق واقع گشت و وفاتش در سال ۲۶۰ق در ۲۹ سالگی در سامرا اتفاق افتاد و
 علی بن محمد تقی دارای فرزندی به نام جعفر شد که شیعه او را جعفر کذاب می خوانند.
 به جهت آن که خود را وارث برادرش حسن بن علی عسکری می دانست و فرزند
 برادرش - یعنی حجت قائم - را وارث او نمی شمرد. باری ابهام و اشکالی در نسب وی
 وجود ندارد» (ابی نصر بخاری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۹).

سید عمری نسابه معروف قرن پنجم هجری نیز چنین می نویسد: «ابومحمد
 (امام عسکری) وفات یافت و پسرش از نرجس در نزد اصحاب خاص و معتمدین
 اطرافیان معلوم و مشخص بود. ما در ادامه جریان ولادت او و اخبار وارد در این باب
 را ذکر خواهیم کرد. مؤمنان بلکه همه مردمان به واسطه غیبت او مورد امتحان الهی
 قرار گرفتند. جعفر بن علی به مال و موقعیت برادر خود طمع کرد و فرزند داشتن
 برادرش را انکار نمود. برخی از ستمکاران و نابکاران نیز وی را در دستیابی بر خدمه و
 کنیزکان امام عسکری علیه السلام مساعدت و یاری کردند» (العلوی العمری، ۱۴۰۹ق،
 ص ۱۳۰).

چنان که دیدیم نسب شناسان نیز تولد و وجود فرزند امام عسکری علیه السلام را پذیرفته اند و
 این دلیل محکمی در بر ولادت و حیات امام مهدی علیه السلام است.

دیدار کنندگان با امام مهدی علیه السلام

از هنگام تولد امام مهدی علیه السلام و در طول غیبت صغری، تعداد زیادی از خواص شیعیان

به سعادت دیدار آن حضرت نائل شده‌اند. این دیدارها یا در عصر امام‌عسکری علیه السلام بوده و ایشان فرزندشان را به برخی از دوستان و یاران خود نشان داده است؛ یا پس از رحلت آن حضرت و در مناسبت‌های مختلف رخ داده است؛ یا کسانی هستند که از آن حضرت توقیع دریافت کرده‌اند؛ یا درخواست دعا کرده‌اند و یا مال امام را به واسطه وکلا به ایشان تحویل داده‌اند (العمیدی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷ به بعد) مرحوم کلینی در بابی تحت عنوان «تسمیة من راه علیه السلام» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۲۹) به نقل اخبار کسانی پرداخته است که آن حضرت را دیده و یا با ایشان مکاتبه کرده‌اند. مرحوم کلینی در عصر غیبت صغری می‌زیسته و در آخرین سال غیبت صغری یعنی سال ۳۲۹ هجری از دنیا رفته است؛ از این رو گزارش‌های او از حوادث و رویدادهای آن عصر، کاملاً بر معیارهای تاریخی منطبق است. او با کسانی که در آن زمان حضرت را ملاقات کرده‌اند، معاصر بوده و گزارش‌ها را مستقیماً از آنها نقل کرده است (همان، ج ۱، ص ۳۲۹). گروه‌های مختلفی چون یاران ائمه علیهم السلام، وکلای امام‌مهدی، خادمان، کنیزان و غلامان امام‌حسن عسگری علیه السلام و دیگرانی که به وجود امام‌مهدی علیه السلام شهادت داده‌اند (ر.ک: العمیدی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷-۱۵۴) همچنین اضافه کنید به این موارد، شهادت حکیمه‌خاتون دختر امام‌جوادی علیه السلام، خواهر امام‌هادی علیه السلام و عمه امام‌عسکری علیه السلام که در هنگام ولادت حضرت مهدی علیه السلام در کنار مادر امام بوده (شیخ‌صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۲۴) و قابله ایشان محسوب می‌شد (همان، ص ۴۳۳). همچنین عده‌ای از زنانی که در کار زایمان به وی کمک کردند؛ از جمله می‌توان از ماریه و نسیمه خادمه امام‌عسکری علیه السلام نام برد (العمیدی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۶).

راویان احادیث مهدی علیه السلام از اهل سنت

بسیاری از صحابه و تابعان، روایات مربوط به امام‌مهدی علیه السلام را نقل کرده‌اند. شیخ عبدالمحسن العباد از نویسندگان معاصر اهل سنت و استاد دانشگاه مدینه منوره در ضمن مقاله‌ای مفصل با عنوان «عقیده اهل السنة والاثار فی المهدی المنتظر» اسامی ۲۶ نفر از صحابه ناقل احادیث امام‌مهدی علیه السلام را جمع‌آوری کرده است که عبارتند از: علی بن ابی طالب، عثمان بن عفان، طلحة بن عبیدالله، عبدالرحمن بن عوف، حسن بن علی،



ام سلمه، ام حبیبه، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو عاص، ابوسعید الخدری، جابر بن عبدالله و از تابعین نیز محمد بن حنفیه، قتاده، مکحول، سعید بن جبیر و... (علی نوری، ۱۳۸۵، ص ۲۸).

با توجه به اینکه احادیث زیادی در این زمینه از بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است، یکی دیگر از محققان تعداد آنها را ۳۳ نفر ذکر کرده که علاوه بر نفرات فوق عبارتند از: طلحه بن عبدالله، عبدالله بن عباس، عمار بن یاسر، ثوبان، قره بن ایاس مزنی، عبدالله بن حارث، ابوهریره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله انصاری، ابوامامه، جابر بن ماجه، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمران بن حصین و ام سلمه (محرمی، ۱۳۹۲، ص ۴۲).

پس مسئله مهدویت به طور عموم در میان مسلمانان، مورد پذیرش قرار گرفته و علاوه بر کتاب‌ها و منابع شیعه که این مطلب در آنها به نحو مسلم، مورد قبول قرار گرفته است، دانشمندان بزرگ اهل سنت نیز چون: ابوداود، احمد بن حنبل، ترمذی، ابن ماجه، حاکم، نسائی، طبرانی، رویانی، ابونعیم اصفهانی، دیلمی، بیهقی، ثعلبی، حموینی، مناوی، ابن مغزالی، محمدالصبان، ماوردی، گنجی شافعی، سمعانی، خوارزمی، شعرانی، دارقطنی، ابن صباغ مالکی، شبلنجی، محب‌الدین طبری، ابن حجر هیتمی، شیخ منصور علی ناصف، محمد بن طلحه، جلال‌الدین سیوطی، شیخ سلیمان حنفی، قرطبی، بغوی... (ر.ک: صافی گلپایگانی، [بی تا]، ص ۹۱-۹۲). اخبار مهدویت را نقل کرده‌اند.

برخی از این روایات درباره نسب آن حضرت و برخی در مورد شیوه حکومت‌داری و عدالت‌گستری اوست و برخی دیگر در مورد علائم و حوادث قبل از ظهور و غیر اینها از مسائل مربوط به آن حضرت است.

یکی از محققان این عرصه درباره روایان احادیث مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌نویسد: «این سخن گزافه‌ای نیست که هیچ محدثی از محدثان مسلمان نیست مگر آن که بعضی از احادیث نوید دهنده ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در آخرالزمان را روایت کرده است» (العمیدی، ۱۳۷۹، ص ۶۶).

همین نویسنده لیستی کامل و چند صفحه‌ای از علما و محدثان اهل سنت تهیه

کرده که احادیث و روایات حضرت مهدی علیه السلام را در کتب خود نقل کرده‌اند (همان، ص ۶۸۶۶).

تأیید روایات مهدی علیه السلام توسط بزرگان اهل سنت

نکته مهم این است که بنابر تحقیقات انجام شده صحت احادیث مهدی علیه السلام توسط بیشتر بزرگان اهل سنت مورد تأیید قرار گرفته و آنها به صحت این احادیث تصریح کرده‌اند که بنابر تحقیق مفصل آقای العمیدی تعداد آنها بالغ بر شصت نفر است و ما تنها به ذکر نام برخی از آنها بسنده می‌کنیم: امام ترمذی (متوفای ۲۷۹ق) که این روایات را حسن و صحیح دانسته؛ حافظ ابوجعفر عقیلی (متوفای ۳۲۲ق)؛ حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ق)؛ امام بیهقی (متوفای ۴۵۸ق)؛ امام بغوی (متوفای ۵۱۰ق)؛ قرطبی مالکی (متوفای ۶۷۱ق)؛ ابن تیمیة (متوفای ۷۲۸ق) که می‌گوید: احادیثی که وی - یعنی علامه حلی رحمته الله - برای اثبات قیام مهدی علیه السلام به آنها استناد می‌کند، احادیث صحیحی هستند؛ حافظ ذهبی (متوفای ۷۴۸ق)؛ حافظ ابن قیم (متوفای ۷۵۱ق)؛ تفتازانی (متوفای ۷۹۳ق)؛ نورالدین هیتمی (متوفای ۸۰۷ق)؛ سیوطی (متوفای ۹۱۱ق) و شوکانی (متوفای ۱۲۵۰ق) (ر.ک: العمیدی، ۱۳۷۹، ص ۷۶۷۲).

جالب‌تر اینکه عالمان بزرگ و معاصر فعلی از اهل سنت مانند شیخ عبدالعزیز بن باز نیز این روایات را پذیرفته‌اند و آن‌چنان‌که استاد خسروشاهی نقل کرده این عالم در یک سخنرانی درباره «مهدی» چنین گفته است: «من بر بسیاری از این احادیث آگاهی دارم و در میان آنها همچنان‌که الشوکانی و ابن‌القیم و دیگران گفته‌اند، صحیح و حسن (نیکو) و ضعیف منجبر و اخبار جعلی یافته‌ام؛ اما از این میان آنچه سند آن محکم است، ما را بس!؛ حال چه خود «صحیح» باشد یا برای اسناد حدیث دیگری صحت می‌یابد و چه خود حسن باشد، یا برای اسناد حدیث دیگری حسن می‌یابد و به همین ترتیب احادیث ضعیف اگر منجبر گردد و یکدیگر را استحکام بخشد، نزد اهل علم حجت است؛ بنابراین تواتر آن از جهت گوناگونی الفاظ، معانی، کثرت طرق و تعدد مخارج مقبول می‌گردد و اهل علم مورد اعتماد، بر ثبوت و تواتر آن، نظر داده‌اند و ما دیده‌ایم که اهل علم، چیزهای فراوانی را با کمتر از این ثابت کرده‌اند و حق این است

که جمهور اهل علم بر سر ثبوت مسئله مهدی اتفاق نظر دارند و اینکه او حق است و در آخرالزمان ظهور خواهد نمود، از اهل علم اگر کسی نظری خلاف این گفته باشد سخن او مورد اعتنا نیست» (خسروشاهی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۶).

شیخ عبدالمحسن العباد از عالمان معاصر سعودی که تحقیق مفصلی در زمینه مهدی (عج) انجام داده، در این باره و انگیزه کار خود می‌گوید: «من برای نمایاندن اوهام و اشتباهات وی (یکی از علمای قطر) در آن رساله، به نوشتن این سطور مبادرت ورزیده‌ام، تا روشن شود که احادیث صحیح بسیاری، بر ظهور مهدی در آخرالزمان دلالت دارد و علمای پیشین و معاصر اهل سنت در این مورد اتفاق نظر دارند مگر آنهایی که از راه حق دور شده و به شذوذ پیوسته‌اند» (همان، ص ۱۱۳).

این عالم سنی تحقیق مفصلی درباره مهدی منتظر (عج) انجام داده و به اثبات صحت روایات مهدی (عج) و ظهور او پرداخته که استاد خسروشاهی آن را با عنوان «مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه شیعه و اهل سنت» به فارسی منتشر کرده است.

از این رو باید گفت در منابع مهم و کتاب‌های معتبر اهل سنت روایات مربوط به مهدی (عج) آمده و البته صحت آنها نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

تواتر احادیث مهدی (عج) از منظر علمای اهل سنت

با مراجعه به کتاب‌های محدثان بزرگ اهل سنت می‌توان دید که آنها در کتاب‌های خود به‌طور فراوان روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) را از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند (ر.ک: العمیدی، ۱۳۷۹، ص ۶۹). در حقیقت عالمان حدیث اهل سنت از ابتدا تاکنون نسبت به احادیث مربوط به امام مهدی (عج) بسیار توجه نشان داده و آنها را در ضمن دیگر احادیث یا جداگانه جمع‌آوری کرده‌اند. از جمله محدثان مشهور اهل سنت که نسبت به نقل احادیث مهدی (عج) کوشیده‌اند می‌توان از: ابوداود، ترمذی، ابن‌ماجه و نسایی در کتاب‌های «سنن» خودشان، احمد بن حنبل در «مسند» و حاکم نیشابوری در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» نام برد که البته برخی دیگر از محدثان و عالمان

اهل سنت از جمله سیوطی، ابن کثیر، ابن حجر و صاحب کنز العمال نیز آثار خاص و جداگانه‌ای درباره امام مهدی علیه السلام دارند (علی نوری، ۱۳۸۵، ص ۲۸).

براساس یک بررسی اجمالی تعداد ۱۷ نفر از دانشمندان بزرگ اهل سنت، به متواتر بودن احادیث مهدی علیه السلام در کتاب‌های خود، تصریح کرده‌اند (ر.ک: پیشوائی، ۱۳۷۸، ص ۶۹۸). العمیدی از محققانی است که در این زمینه کار زیادی کرده و می‌نویسد: «علمای علم درایه و عده‌ای از کسانی که در امر تدریس یا تحقیق علوم حدیث از تخصص برخوردارند، به متواتر بودن احادیث مهدی علیه السلام وارد شده در کتب اهل سنت مانند صحاح و مسانید تصریح کرده‌اند» (العمیدی، ۱۳۷۹، ص ۷۶) او سپس به صورت تفصیلی به ذکر نام و تصریحات آنها می‌پردازد که در میان آنها این اسامی دیده می‌شود: بر بهاری حنبلی (متوفای ۳۲۹ق)؛ محمدبن حسین ابری شافعی (متوفای ۳۶۳ق)؛ قرطبی مالکی (متوفای ۷۶۱ق)؛ حافظ جمال‌الدین المزنی (متوفای ۷۴۲ق)؛ ابن قیم جوزی (متوفای ۷۵۱ق)؛ شمس‌الدین سخاوی (متوفای ۹۰۲ق)؛ سیوطی (متوفای ۹۱۱ق)؛ ابن حجر هیتمی (متوفای ۹۷۴ق)؛ و متقی هندی (متوفای ۹۷۵ق) و... (همان، ص ۷۶-۸۰).

لازم به ذکر است احادیث متواتر به احادیثی گفته می‌شود که به خاطر کثرت راویان به طور عادی علم‌آور باشند و تبانی بر کذب از نظر عقلی در آنها محال باشد در مقابل خبر واحد که بیش از ظن افاده نمی‌کند (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۱۲). به عنوان نمونه به چند مورد از سخنان علمای اهل سنت درباره متواتر بودن این احادیث توجه نماید:

- ۱- حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ق) در کتاب «البیان فی أخبار صاحب الزمان» می‌گوید: «احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مهدی، به دلیل راویان بسیاری که دارد، به حد تواتر رسیده است» (گنجی شافعی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۴).
- ۲- حافظ مشهور، ابن حجر عسقلانی شافعی (متوفای ۸۵۲ق)، در کتاب فتح الباری که در شرح صحیح بخاری نوشته است، می‌گوید: «احادیث متواتری وجود دارد، حاکی از اینکه مهدی علیه السلام از این امت است و عیسی علیه السلام از آسمان فرود آمده و پشت سر وی



نماز خواهد، گزارد» (ابن حجر عسقلانی، [بی تا]، ج ۶، ص ۴۹۳-۴۹۴).

۳- شیخ منصور علی ناصف از علمای بزرگ و معاصر الأزهر و مؤلف کتاب «التاج الجامع للأصول» می نویسد: «در میان دانشمندان گذشته و امروز مشهور است که در آخر الزمان به حتم و یقین مردی از اهل بیت علیهم السلام پیامبر صلی الله علیه و آله که نام او مهدی علیه السلام است، ظهور خواهد کرد. او بر همه کشورهای اسلامی تسلط خواهد یافت. مسلمانان، همه پیرو او خواهند شد، او در میان آنان به عدالت رفتار می کند و دین را قوت می بخشد. آنگاه دجال پیدا می شود و عیسای مسیح، از آسمان فرود می آید و دجال را می کشد، یا با او مهدی علیه السلام در کشتن دجال همکاری می کند. سخنان و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله را درباره مهدی، جماعتی از نیکان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده اند، محدثان بزرگی مانند ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابویعلی، بزاز، امام احمد بن حنبل و حاکم نیشابوری آن احادیث را در کتابهای خود نقل کرده اند» (ناصف، [بی تا]، ج ۵، ص ۳۱۰).

با توجه به این موارد باید اذعان کرد که احادیث شیعه درباره حضرت مهدی علیه السلام از سوی علمای اهل سنت مورد پذیرش قرار گرفته است. و به جهت تواتر احادیث شیعی و موثق بودن راویان آنها و سایر قرائن صدق این احادیث، جمع کثیری از علمای اهل سنت آنها را پذیرفته و در کتابهای خود نقل کرده اند.

نتیجه‌گیری

بسیاری از عالمان اهل سنت اخبار تولد و حیات امام مهدی عجل الله فرجه را پذیرفته و به صحت آن اعتراف کرده‌اند. علاوه بر این تأیید تولد آن حضرت توسط نسب‌شناسان و نیز گزارش‌هایی که از سوی دیدارکنندگان با آن حضرت نقل شده و در میان آنها افراد سنی‌مذهب هم وجود دارند، دلایل قوی‌ای بر این واقعیت است که مهدی قائم عجل الله فرجه و منجی آخرالزمان تولد یافته و هم‌اکنون در میان مردم زندگی می‌کند. وجود و صحت روایات مهدی عجل الله فرجه نیز از منظر اهل سنت امری نیست که قابل انکار باشد؛ چراکه روایان احادیث مهدی عجل الله فرجه از اهل سنت بسیار هستند و این دست روایات که در آنها به حضرت مهدی عجل الله فرجه تصریح شده است توسط بزرگان اهل سنت مورد تأیید قرار گرفته و حتی علمای اهل سنت بر متواتر بودن احادیث مهدی عجل الله فرجه اذعان کرده‌اند. وجود روایان احادیث مهدی عجل الله فرجه از اهل سنت و تأیید روایات مهدی عجل الله فرجه توسط بزرگان اهل سنت و متواتر بودن احادیث مهدی عجل الله فرجه از منظر علمای اهل سنت همه شواهدی بر صحت این روایات می‌باشد. نگارش دهها کتاب درباره مهدی موعود و نقل احادیث حضرت مهدی عجل الله فرجه توسط علمای اهل سنت از گذشته تا به حال مؤید اعتقاد دیرینه آنان در مسئله مهدویت است.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، *الكامل فی التاريخ*، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۸.
۲. ابن حجر عسقلانی، *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*، بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].
۳. ابن حزم اندلسی، *جمهرة انساب العرب*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۴. ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمة فی معرفة الأئمة*، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲ق.
۵. ابن طلحة شافعی، *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول*، تحقیق: ماجد ابن احمد العطیه، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۶. ابن عنبه حسنی، *عمدة الطالب فی أنساب آل أبی طالب*، قم: انصاریان، ۱۴۱۷ق.
۷. ابی نصر بخاری، *سر السلسلة العلویة*، [بی جا]: شریف الرضی، ۱۴۱۳ق.
۸. اشعری، ابوالحسن، *مقالات الاسلامیین*، بیروت: دارصادر، ۱۴۲۷ق.
۹. پیشوائی، مهدی، *سیره پیشوایان*، قم: مؤسسه امام صادق، ۱۳۷۸.
۱۰. خسروشاهی، سیدهادی، *مصلح جهانی و مهدی موعود*، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴.
۱۱. سبط بن جوزی، *تذکرة الخواص*، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ق.
۱۲. شیخ صدوق، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵.
۱۳. صافی گلپایگانی، *منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر*، قم: مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ق.
۱۴. صافی گلپایگانی، *نوید امن و امان*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، [بی تا].
۱۵. العلوی العمری، علی بن محمد، *المجدي فی أنساب الطالبین*، قم: مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ق.
۱۶. علی نوری، علی رضا، *تسناخت حضرت مهدی*، قم: زمزم هدایت، ۱۳۸۵.
۱۷. العمیدی، سیدثامر هاشم، *در انتظار ققنوس*، ترجمه مهدی علیزاده، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۹.
۱۸. فخرالدین رازی، *الشجرة المبارکة فی أنساب الطالبية*، قم: مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ق.
۱۹. قاضی مروزی، سیدعزالدین، *الفخری فی أنساب الطالبین*، قم: مکتبة آية الله المرعشی النجفی، [بی تا].



٢٠. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران: اسلاميه، ١٣٦٢.
٢١. گنجي شافعي، محمد بن يوسف، البيان في أخبار صاحب الزمان، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعه لجماعه المدرسين، ١٤١٧ق.
٢٢. مامقاني، شيخ عبدالله، مقياس الهداية في علم الدرايه، قم: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤١١ق.
٢٣. محرمي، غلامحسن، نگرشي تاريخي به حيات امام زمان عليه السلام، قم: پرتو ولايت، ١٣٩٢.
٢٤. مسعودي، مروج الذهب، بيروت: مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ١٤١١ق.
٢٥. مهدي پور، علي اكبر، كتابنامه حضرت مهدي عليه السلام، تهران: نشر مولف، ١٣٧٥.
٢٦. ناصف، منصور علي، التاج الجامع للأصول، قاهره: داراحياء الكتب العربية، [بي تا].